

## باز هم سخنی در مورد انتخابات

اورد شد باز هم از مردم خواسته شود تا به اورای دهند و با آرای که به دست خواهد آورد از موقعیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود و رهبری دگر اندیشان را در آینده به عهده خواهد گرفت.

این طرح که حامیان آن شرکت فعال در انتخابات نامیده‌اند در حالتی می‌تواند بدون در نظر گرفتن نتیجه تنها اجرا شود (نه موفق) که حاکمیت اجازه دهد مردم برای هر که می‌خواهند در سراسر کشور تبلیغ کنند، مانع اجتماعات و آزادی بیان و قلم نشود که تجربه سی ساله خلاف این را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد سادساده اندیشی است گام در راهی گذاشتن که پایانی روشن ندارد و بعید است شخصیتی پیدا شود که در این میدان ناشناخته گام نهد و آینده سیاسی خود را به اگرها پیوند دهد و آیا در صورت موفقیت صد در صد این طرح دگر اندیشان به چنین رهبری اقبال خواهند کرد؟ حاکمیت پیوسته تاکید دارد تا مردم را به پای صندوقهای رای کشاند و بازار انتخابات را گرم کند شاید حرکت اینان ناخواسته فقط عده بیشتری را به پای صندوقهای رای آورد و گرداندگان انتخابات را خشنود سازند.

بهر روی امروز در میدان انتخابات رییس جمهوری دو جناح حاکمیت برای برنده شدن در برابر هم واقع شده‌اند در دوازده سال پیش حکومت جمهوری اسلامی چاره‌ای نداشت جز اینکه برای برون رفت از این بستی که نتیجه سیاستهای نادرست داخلی و خارجی اش بود ظاهری انعطاف پذیر داشته باشد از این جهت یکی دیگر از عوامل خود را با سخنانی مردم فریبانه وارد صحنه انتخابات کرد. ایشان بارها این مطلب را بیان داشته‌اند که راه خروج نظام از این بست و حتی دوری از جنگ موفقیت ایشان در انتخابات بوده است. انتخابات وضعی انجام گردید که اکثر کشورهای اروپایی سفیران خود را از ایران فراخوانده بودند و کشور در انزوای بین المللی بود. برای این برنامه ناگهان تبلیغات انتخاباتی شکلی جدید پیدا کرد و سخن از آزادی‌ها فراوان گفتند و گروه زیادی از مردم که نومید از احیای آزادیهای فردی و اجتماعی بودند سرخوش از اینکه راه امیدی گشوده شده است به کاندیدای اصلاح طلب رای دادند. حضور مردم در انتخابات و سیاست ملایم نظام به برقراری مجدد رابطه‌ها کمک کرد اما دوران امیدواربها کوتاه بود و مردم دیدند که دولت اصلاح طلب روی دیگر سکه به قدرت نشستگان است. اکنون نیز با تحولات جهانی به نظر می‌رسد که تغییراتی در پیش است. غرب با آمدن رییس جمهور جدید در امریکا ممکن است یک پارچه شود دولتهای ایران و امریکا مذاکراتی در پیش دارند. به نظر دولت فرانسه مذاکرات امریکا و ارو یا با دولت ایران بعد از انتخابات ایران است. انتخابات این بار هم برای نظام حاکم سرنوشت‌ساز می‌باشد. آیا مذاکره کنندگان با امریکا در شرایط نوین جهانی اصول گرایانند و یا اصلاح طلبان کدام یک موفق خواهند بود؟ آیا منافع ملی ایران مورد معامله قرار می‌گیرد و یا تامین می‌شود؟

آینده نشان خواهد داد ولی از یاد نبریم تا آزادی نباشد انتخابات مفهوم واقعی ندارد. منافع ملی ایران به دست کسانی تامین خواهد شد که ملتی برخوردار از آزادیهای فردی و اجتماعی آزاد و آگاه آنها را برگزیند.

## ایران در چنبره انگیزاسیون فکری، عقیدتی و مذهبی

جامعه‌ای از پویایی فرهنگی بهره مند است که مبتنی بر تنوع ارزشهای معنوی مختلف بوده و در آن مکتب‌های فکری و عقیدتی در کنار هم زیستی مسالمت‌آمیز داشته و از فرآیند تعاملات بین آنها همگان منتفع شوند. در مقابل جوامعی که متصرف به فرهنگ تک - بعدی و خودکفا هستند نه تنها تمایل به تساهل و سازگاری با ارزشهای معنوی، فکری و عقیدتی متفاوت ندارند بلکه در نوعی تعارض و ناسازگاری با آنها درگیر می‌باشند.

به همین جهت وقتی جامعه‌ی مبتنی بر فرهنگ چند - بعدی و کثرت‌گرا تحت سلطه و حاکمیت فرهنگ تک - بعدی قرار می‌گیرد تنها راه بقای نسبی ارزشهای معنوی متفاوت خود را در لوی کسوت و پوشش فرهنگ حاکم محفوظ می‌دارد. چنانکه وقتی که اسلام خلافتی اموی و عباسی مجهز به سیاست نژاد پرستانه بر جامعه ایران حاکم شده بود و دو قرن سکوت فرهنگی را بر آن تحمیل نموده بود، نواندیشان ایرانی در پرتو رنسانس فرهنگی و ادبی برخاسته از قرن نهم تا دوازده میلادی، که در عین حال از آن بعنوان عمر شکوفایی تمدن اسلامی نیز یاد شده است، بر آن شدند با الهام از ارزشهای برگرفته از جوهره پویا و فرهیخته ساز فرهنگ بومی خود و انصاف آن به رنگ و رخساره ارزش معنوی مسلط وقت فضای مبتنی بر تعدد و جمودیت را تعدیل نموده و آن را به راه تلطیف و پویایی هدایت نمایند. در این رهگذری شک عرفان مبتنی بر جهان بینی و انسان‌گرایی بیش از سایر عناصر مندرج در رنسانس فرهنگی مورد بحث نقش تلطیف‌کننده داشته است و در عین حال در اشاعه تنوع ارزشهای معنوی نیز کارساز بوده است. بخصوص از زمان غزالی به بعد که اصول‌گرایی حاکم بر امور اجتماعی و فرهنگی ایران شده بود عرفان و مشرب‌های برخاسته از آن همچنان بر آن بودند در جامعه مبتنی به فروبستگی فکری و خالی از آزاد اندیشی جرقه‌هایی از تنوع ارزشهای معنوی را در ادبیات عرفانی و در عین حال نقادانه از اصول‌گرایی پایدار نگه دارند. در این رابطه مولوی و حافظ جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند.

خلاصه آنکه جهان بینی و انسان‌گرایی عرفان مبتنی بر عشق، مودت و دوستی نه تنها نقش تلطیف‌کننده و تعدیل‌کننده در قبال اصول‌گرایی در گذر تاریخ اجتماعی ایران داشت، بلکه امروزه نیز بعنوان رهگشایی برای رهایی از سردرگمی‌ها و نابسامانیهای روانی و معنوی انسان عصر حاضر مطرح شده است. یعنی در حالیکه اینک در پرتوی پیشرفتهای چشم‌گیر علمی و تکنولوژیکی انسان موفق گردیده به ساخت و پرداختها و مخلوقات خود خصوصیت انسانی بخشد، ولی خود از معنای انسانیت تا حدودی تهی گردیده و از خود بیگانه شده است. لذا برای رهایی از این معضل روانی، بخش قابل توجهی از نسل جوان راه انتخاب آزادانه و داوطلبانه ارزشهای معنوی و عرفانی را در پیش گرفته‌اند. گروه‌های بسیاری به مشرب‌های عرفانی از جمله مولویه پیوسته و یا می‌پیوندند. در حالیکه امروزه محافل دانشگاهی و آکادمیک اروپا و آمریکا مسئله شناخت و معرفی ارزشهای انسان‌گرایانه عرفان شرقی را با دید مثبت مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند. در ایران ما سرزمینی که اولین منشور حقوق بشر مبتنی بر تساهل و سازگاری نژادی و قومی و آزادی مذهبی اعلام و اعمال گردید، امروزه حقوق بشر و آزادیهای اساسی دچار نقض فاحش می‌شود. در زمانیکه اندیشه‌های عرفانی مبتنی بر جهان بینی و انسان‌گرایی در خارج از کشور مقبولیت روز افزون پیدا می‌نماید، مشرب‌های عرفانی با ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های پی در پی روبرو می‌شوند و وابستگان آن دچار تضییقات و اذیاء و آزار قرار می‌گیرند. خانقاه‌های آنها به بیرانی کشانده می‌شوند و رهبران آنها به زندان افکنده می‌شوند. اسفبارتر آنکه بر خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر ایرانیان متصرف به عقاید و آیین‌های گوناگون بر اساس اتهامات واهی از ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی و انسانی محروم می‌شوند. معابد و منازل و گورستانهای آنها ویران می‌گردد و معتقدان آن به دلایل ساختگی زندانی می‌شوند و سرزمین و موطن آبا و اجدادی خویش رانده می‌شوند. از سوی دیگر دانشجویان و دانشگاهیان از تشرک آزاد، اندیشه نقادانه و عقل‌گرایی بازداشته می‌شوند. دانشجویان معترض به فضای سرکوبگرانه موجود زندانی می‌گردند. چگونه است وقتی بسیاری از دانشجویان همراه با دیگر جوانان با صداقت و شهامت در راه دفاع از آزادی و حفظ استقلال و بقای سرزمین ایرانی خود نقد جان باخته‌اند. به جای آنکه شهادت آنها بعنوان میراث ارزنده مایه و سرمایه ارتقای نواندیشی، آزاد اندیشی و افزایش دانش علمی و فرهنگی دانشگاه‌ها شود، حکام بر قدرت نشسته بر آن می‌شوند از آن برای تحمیل ارزشهای واپس‌گرایانه بر دانشگاهها بهره‌جویند. گو اینکه نسل حاضر و آینده ایران خود را مدیون فداکاربهای این شهیدان والا قدر دانسته و شهادت آنها را پویا بخش راه آزادی تلقی می‌نمایند، ولی استفاده ابزاری از آن را برای تحکیم نظام استبدادی قویاً محکوم می‌نمایند.

جبهه ملی ایران همواره بر این باور بوده است که تمامی شهروندان ایرانی همانگونه که می‌بایست در مقابل قانون برابر باشند، به همین نهج می‌بایست از تمامی فرصت‌ها و امکانات بدون هر گونه تبعیض از لحاظ نژادی، زبانی، قومی و مذهبی بطور یکسان بهره‌مند شوند.

بنابراین محروم ساختن شهروندان مذکور در فوق را از حقوق و آزادیهای اساسی به دلایل زیر شدیداً محکوم می‌نماید:

- ۱- بر خوردهای خشونت بار را نسبت به آزادی طلبان نحل‌های مختلف غیر قانونی، غیر انسانی و غیر اخلاقی می‌داند.
- ۲- ادامه آن را موجب خشکاندن مبانی تنوع ارزشهای معنوی و تهی ساختن فرهنگ ایران از پویایی و سیالیت می‌شود. در واقع این رویه را به چیزی جز تحمیل جو واپس‌گرایی و ارزشهای غیر ایرانی نمی‌توان تلقی نمود.
- ۳- اقدامات انجام شده نقض فاحش اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و زیر پا گذاشتن تعهدات بین المللی مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.
- ۴- استمرار وضع موجود موجب افزایش فرار مغزها و افزایش روزافزون طالبان جلالی وطن خواهد شد.
- ۵- افزایش جو پلیسی و اختناق اجتماعی و انگیزاسیون فکری و عقیدتی شاید برای مدتی کوتاه به عنوان سرپوشی برای عدم توجه عمومی به مشکلات اقتصادی، افزایش فقر، بیکاری و تبعات و آسیب‌های اجتماعی آن و فراتر از همه فساد مالی حاکم بر دستگاههای حکومتی و نابسامانیها و نارساییها در امور خارجی گردد، ولی در یازود حکام تمامیت خواه باید پاسخگوی ناکامی‌ها و نافرجامیهای موجود در عرصه‌های مختلف جامعه ایرانی باشند.